

نقش سازمانها و ارگانهای بین الملل در بوجود آوردن صلح بین کشورهای جهان

رضا عالی زارنجی^۱

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بین المللی، مدرس دانشگاه

چکیده

مقوله «امنیت بین المللی» مفهومی است که بر بر منافع مشترک کشورهای صاحب قدرت در اعتلا و صیانت از امنیت و منافع آنها دلالت دارد. به رسمیت شناختن آن منافع مشترک کشورها مستلزم ایجاد چهارچوب اجتماعی در سطح جامعه بین المللی به منظور پایان بخشیدن به اقدامات امنیتی ملی یکجانبه است. همین رویکرد در پایان جنگ بین الملل اول قدرتهای پیروز را تحت رهبری قاطعانه رئیس ویلسون، به سوی تاسیس جامعه ملل در سال ۱۹۱۹ هدایت کرد تا از این طریق هدف تامین امنیت بین المللی از طریق اقدام جمعی تمامی کشورها محقق شود. شکست جامعه ملل در دستیابی به آن هدف و بروز جنگ بین الملل دوم موجب کنار گذاشتن مفهوم امنیت بین المللی نگردید، بلکه آن ایده در قالبی جدید یعنی تاسیس سازمان ملل متحد دوباره به میدان آمد. صلح مفروضه ی اصلی به وجود آمدن رشته ی روابط بین الملل بوده است. از تاسیس کرسی روابط بین الملل قضیه ی صلح و کنترل جنگ یکی از دلایل اصلی بحث و مجادلات نظری و عملی در جهان بوده است. تاکنون تئوری های زیادی در جهت ایجاد صلح و برقراری امنیت جهانی در عرصه ی مطالعاتی روابط بین الملل به وجود آمده است و در زمینه های عملی نیز سازمان های زیادی برای بسط صلح در عرصه ی جهانی تاسیس شده است. به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم تلاش های زیادی در زمینه ی ایجاد صلح جهانی چه در زمینه ی تئوریک و چه عملی انجام شده است. در این جا این سوال پیش می آید که سازمان های بین المللی چه تاثیری در صلح جهانی و امنیت بین المللی به خصوص بعد از جنگ سرد داشته است به همین علت در این پژوهش سعی می شود تا با استفاده از رویکرد نهاد گرایی به این موضوع پرداخته شود.

واژه های کلیدی: صلح جهانی، سازمان های بین المللی، امنیت بین المللی، همکاری، نهاد گرایی.

۱- مقدمه

از عوامل اصلی در ایجاد دگرگونی در روابط بین دولت‌ها، وحشت از جنگ می باشد که به صورت انگیزه ای برای همکاری بین المللی به منظور رسیدن به صلح جهانی درآمده است. یکی از دلایل اصلی به وجود آمدن سازمان های بین المللی پس از جنگ جهانی دوم نیز، برقراری صلح و امنیت بوده است. در این راستا اقدامات سازمان های بین المللی برای حل و فصل مناقشات دارای اهمیتی حیاتی است؛ چرا که بیشتر این سازمان ها، به عنوان نهادهای فراملی، توانایی و مشروعیت ایفای نقشی تاثیرگذار و مورد پذیرش همگان را در جامعه جهانی دارا می باشد. می توان صلح را ماهیت اصلی به وجود آمدن این سازمان ها دانست. به همین دلیل هدف اصلی، بررسی میزان کارکرد سازمان های بین المللی در تامین صلح جهانی می باشد این پژوهش سعی دارد به این موضوع بپردازد، که چگونه سازمان های بین المللی پس از پایان جنگ سرد، در تامین صلح جهانی، می توانند تاثیر گزار باشند. فرضیه مطرح شده در این مقاله این است که با وجود حقوق و وظایفی که سازمان های بین المللی در چهارچوب قوانین خود، برای دولت ها وضع کرده اند، نقش تعیین کننده ای در تامین صلح جهانی دارا می باشد (بیگ زاده، ۱۳۹۰).

سازمانهای بین المللی دولتی، تشکیلاتی هستند که به منظور دستیابی به هدفهای مشترک از راه انجام یک سلسله اقدامات هماهنگ و مداوم بین دولتهای حاکم به وجود می آیند. این سازمانها دارای ارکان و اختیارات مخصوص به خود هستند و از حق تصمیم گیری مستقل بهره مندند.

این تعریف بیانگر ویژگی های زیر برای سازمانهای بین المللی دولتی است.

۱- اجتماع گروهی از دولتها

۲- اجتماع دولتهای حاکم مستقل

۳- وجود یک یا چند هدف مشترک و اقدام هماهنگ به منظور تامین این اهداف.

۴- داشتن شخصیت و اراده مستقل از دولتها.

۵- دایمی بودن و استمرار

تعدادی از سازمانهای بین المللی عبارتند از : سازمان ملل متحد سازمان بیم المللی کار- سازمان بهداشت جهانی- اتحادیه پستی جهانی- صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان بین المللی انرژی اتمی و سازمان بین المللی مالکیت های معنوی. سازمان های بین المللی دو نوع سازمان کاملا متفاوت را دربرمی گیرند؛ اولین نوع مربوط می شود به سازمان های بین المللی دولتی که آن ها را دولت های ملی تشکیل می دهند و اداره می کنند. دومین نوع مربوط می شود به سازمان های بین المللی غیردولتی که دولت های ملی نقش مستقیمی در تشکیل و اداره ی آن ها ندارد. امروزه تعداد سازمان های بین المللی دولتی را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تخمین زده اند. امروزه در جامعه ی بزرگ جهانی، سازمان های بین المللی نه تنها در حوزه های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین المللی را عهده دار شده اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده اند. بر این اساس سازمان های بین المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می شوند از رهگذر توافق دولت ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می ورزند. در این وادی یک سازمان بین المللی، اجتماعی از دولت ها می باشد. محل استیلای قدرت سازمان های بین المللی متغیر است ولی هر آنچه که به صورت امور داخلی یک کشور در نیاید را می توان تحت نفوذ این سازمان ها در جامعه بین المللی دانست (همان منبع).

نهاد گرایان لیبرال نیز معمولا دیدگاه خوش بینانه ای نسبت به نقش نهاد های بین المللی در ایجاد و گسترش همکاری های بین المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمان های بین المللی و توانایی آنها می توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد. از مسایل و اهداف اصلی سازمان های بین المللی در قرن حاضر رسیدن به صلح جهانی و امنیت دسته جمعی بوده است که این امر در اساسنامه سازمان بین المللی مهم قرن، سازمان ملل متحد متبلور شده است. در واقع جنگ سرد باعث اختلال در روند سیستم امنیت بین المللی گردید. پس از پایان جنگ سرد نیز جهان وارد یک دوره ی انتقالی گردید و این وضعیت، زمینه را برای نزدیکی بیشتر ملت ها در جهت حل بعضی معضلات فراهم کرد، و در نتیجه سازمان های بین المللی تمام هدف خود را بر این

مساله گذاشتند که با تشکیل کنفرانس به راه حل هایی برای رسیدن به صلح و همکاری هایی در صحنه جهانی دست پیدا کنند(مشیرزاده، ۱۳۸۸).

چهارچوب نظری

سازمان های بین المللی در حقیقت بیانگر نوعی فدرالیسم جهانی هستند. در فدرالیسم جهانی ما شاهد تجمع هایی هستیم، که عناصر تشکیل دهنده-ی آن (دولت ها) ویژگی دولت بودن خودشان را حفظ کرده اند و ضمن حفظ ویژگی خودشان یک نهاد مستقل از خود ایجاد کرده اند. سازمان های بین المللی در واقع، نماد بسیار بارز فدرالیسم جهانی می باشند که حیات مستقل و شخصیت حقوقی مستقل از عناصر خود را دارند. به طور خلاصه، سازمان های بین المللی از یک دید شبیه دولت های فدرالی هستند که ما اکنون در جهان شاهد آنها هستیم؛ از این دیدگاه که سازمان های بین المللی، مجموعه ای از نهاد ها هستند که با یکدیگر جمع می شوند و یک نهاد دیگری به وجود می آورند، شبیه فدرالیسمی است که ما بین دولت ها می شناسیم و هر کدام از درون مستقل هستند اما در بیرون و سیاست خارجی خود، به منظور حفظ وحدت و رسیدن به یک امنیت جمعی در بین خود با یکدیگر همکاری و فعالیت می کنند(بیگ زاده، ۱۳۹۰).

امروزه زندگی بین المللی بدون سازمان های بین المللی اصلا قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت ها را نشان می دهد. بنابر این ملاحظه می شود که تا چه حد سازمان های بین المللی در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین المللی از جایگاه مهمی برخوردارند. سازمان های بین المللی از دیر باز در برقراری و حفظ صلح و امنیت تاثیر داشته اند و از روشهای مختلفی به منظور حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات استفاده می کنند، که شامل روشهای سیاسی مانند مذاکره، میانجی گری، سازش و یا روشهای حقوقی مانند داوری و رسیدگی قضایی می شود(همان منبع). با توجه به تحولاتی که امروزه در جامعه ی بین المللی رخ داده است، نقش سازمان های بین المللی غیر دولتی روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار می شوند و حضور این سازمان ها ابعاد وسیعتری به خود می گیرد و علت آن هم این است که ایجاد این سازمان ها نسبت به سازمان های بین المللی فوق العاده ساده تر است و در بررسی صلح در جامعه ی بین الملل نیز سازمان های غیر دولتی بیش از سازمان های دولتی به مقوله ی صلح اهمیت داده اند. قلمرو فعالیت های این سازمان ها از حقوق بشر تا مداخلات مسلحانه و محیط زیست می باشد که همه به نحوی صلح و آرامش جهانی را هدف خود قرار می دهند. هر بار که تغییر عمده ای در جامعه ی بین الملل حاکم شده است، نقش دیپلماسی در سیاست جهانی مورد بازنگری مجدد قرار گرفته است. این موضوع در ابتدای قرن بیستم و در سایه ی تحولات عمده ی واقع در آن زمان مصداق دارد و هم اکنون نیز در دهه اولیه قرن بیست و یکم و هزاره سوم تجلی یافته است. در قرن جدید، علاوه بر وجود عناصر و عوامل تکنولوژیک جدید، در عرصه ی دیپلماسی "دولت زدایی" شده است. این عنصر مهم و تاثیر گزار باعث گردید در مناسبات، صلح، جنگ و ثبات از میان برداشته شود. و سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی روی کار آمده اند، که درصددند با گسترش فعالیت های دیپلماتیک خود در صحنه های بین المللی نقش آفرین باشند و محدودیت کارکرد دولت های ملی را در عرصه ی بین المللی و دیپلماسی برطرف سازند(غفوری، ۱۳۸۳).

از دیدگاه نهاد گرایان با افزایش نقش نهاد های بین المللی ما شاهد گسترش همکاری-- های بین المللی در جهت منسجم ساختن بیشتر جامعه ی بین المللی می باشیم. برخی از تحلیل گران این دیدگاه ادعا می کنند که جنگ را می توان از میان برداشت و فرهنگ صلح را جایگزین آن کرد. اندیشه های کسانی مانند ویلسون و آنجل بر پایه ی دیدگاه لیبرال ها در مورد موجودات انسانی و جامعه ی انسانی است، این که انسان ها موجودات عقلانی هستند و با عقلانیت به این مهم می رسند که با ایجاد مجموعه ای از سازمان ها، همه می توانند از فرهنگ غنی صلح و آرامش و امنیت حاصل از آن در روابط بین الملل بهره مند شوند. همه ی این مسائل پایه ی تاسیس سازمان های بین المللی از جمله جامعه ی ملل شد(ساعد، ۱۳۸۹).

شکست های جامعه ی ملل در دهه ی ۱۹۳۰ موجب تردید پیرامون وجود هماهنگی منافع در برقراری صلح گردید، به همین خاطر تلاش بر این شد که به منظور تامین صلح و امنیت بین المللی ملت ها و حل و فصل منصفانه ی اختلاف ها، حقوق و سازمان های بین المللی با قدرتی کارآمد تلفیق شوند. درک صحیح از مفاهیم صلح و امنیت نه تنها در رابطه با سازمان های بین المللی امری ضروری است، زیرا این سازمان ها از تاثیرات بسیار مهمی بر روند تحولات جامعه ی جهانی برخوردار بوده اند و به مرور زمان نیز بر اهمیت آنها افزوده می شود، بلکه از آنجایی که فرضیه های متعددی در پی شناخت و نقش و برسمیت شناختن این سازمان ها به وجود آمده اند، بدون این شناخت نمی توان به خوبی نسبت به میزان تاثیر گزار بودن این سازمان ها قضاوت کرد. مقاله ی حاضر تلاش خواهد کرد تا با بهره مندی از رهیافت نهادگرایی نولیبیرال به بررسی مفهوم صلح و نقش سازمان های بین المللی در میزان تامین این مفهوم در جامعه ی بین المللی امروز بپردازد (سرمدت، ۱۳۸۸).

۲- سازمان های بین المللی

پس از جنگ سرد، شکل و ماهیت روابط بین الملل دستخوش تحولات متعددی گردید. مهم ترین رویدادهایی که به پیچیدگی روابط عصر حاضر انجامیده است پراکندگی مراکز قدرت در جهان، ظهور علم و تکنولوژی، ایجاد و تقویت نقش سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی و موارد دیگر را شامل می شوند. پیدایش تکنولوژی پیچیده ی نظامی به عنوان وسیله ای در خدمت سیاست خارجی دولت ها و نفوذ پذیر شدن مرزهای کشور ها باعث شد که بر نقش سازمان های بین المللی به منظور افزایش همکاری میان دولت ها افزوده شود. این مساله به این خاطر می باشد که دولت ها در حال حاضر از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و حتی سیاسی و نظامی آسیب پذیر گشته اند و نمی توانند خود را از جریان های جهانی برحذر داشته و به تنهایی در صدد حفظ امنیت مرزی خویش برآیند. پس از جنگ سرد «میخائیل گورباچف» نخستین کسی بود که در کتاب خود تحت عنوان «به سوی دنیای بهتر» از جایگزینی همکاری به جای «رویاری» میان شرق و غرب سخن گفت و نیاز دنیای جدید را به همکاری در تمامی زمینه ها مطرح کرد (غفوری، ۱۳۸۳).

سازمان های بین الملل به منظور ایجاد همکاری و تعاون بین دولت ها در زمینه های مختلف از جمله: تبادل اطلاعات، اکتشافات و تجربیات یکدیگر به وجود آمده اند تا دولت ها را در پاسخ به نیازهای اساسی و ارائه خدمات در سطح جهان یاری دهند که این از عهده یک کشور منفرد ساخته نیست. سازمان ملل متحد هسته ی مرکزی این سازمان ها بوده و نقش آن هماهنگ کردن کلیه همکاری های بین المللی است. پایان جنگ جهانی دوم، تشکیل سازمان ملل متحد را در سایه ی همکاری نهادینه کشورهای قدرتمند به منظور ایجاد صلحی پایدار برای جامعه ی جهانی بشارت داد. این سازمان به عنوان اولین نهاد مدافع صلح در جهان معرفی می شود که اهداف خود را بر چهار اساس استوار کرده است: حفظ صلح و امنیت بین المللی، توسعه ی روابط دوستانه بین ملل بر اساس احترام به اصل برابری حقوق و خودمختاری ملت ها همکاری بین المللی به منظور حل مسائل جهانی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بشردوستانه و احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان تاسیس گردید. ملاحظه می شود که پیدایش اولین سازمان های بین المللی در جامعه ی جهانی مهم ترین مساله و دغدغه ی خود را صلح و امنیت و آزادی مطرح کرده اند. سازمان ملل متحد در مدت فعالیت خود اغلب به منظور جلوگیری از وضعیت های خطرناک بین المللی که ممکن بوده است به جنگ منتهی شود، دو طرف متخاصم را به استفاده از شیوه های دیپلماتیک مانند شرکت در مذاکرات به جای توسل به اسلحه ترغیب کرده است. بنابر این سازمان ملل متحد، تاکنون نسبتا نقش تعدیل کننده و یا آرام بخش در بسیاری از مناقشات بین المللی ایفا کرده است. این نقش، بویژه در بحران برلین (۱۹۴۸-۱۹۴۹) و کوبا (۱۹۶۲) از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. اهمیت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سال ۱۹۶۷ در دو منطقه خاورمیانه، پس از آنکه مصر تقاضای خروج نیروهای مزبور را از صحرای سینا نمود، بوضوح مشخص شد، زیرا پس از خروج این نیروها بلافاصله جنگ در گرفت. در اندیشه نهادگرایی نولیبیرال، سازمان های بین المللی قادرند همکاری بین دولت های ملی را در موضوعات جهان شمول تقویت نموده و مستقل از اراده قدرت های بزرگ در صحنه بین الملل عمل نمایند (بیگ زاده، ۱۳۹۰).

سازمان های بین المللی به دو دسته ی سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می شوند، هر کدام از این سازمان ها در زمینه ی صلح فعالیت های زیادی داشته اند اما امروزه به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان های غیردولتی در تامین صلح جهانی می باشیم. این نوع سازمان ها عمدتاً دارای انگیزه های بشردوستانه بوده و قادر به ایجاد ثبات و نگه داری صلح جهانی هستند. به منظور حفظ بی طرفی، اغلب این نهاد ها، رویه ای بی طرفانه پیشه کرده و در خارج از مجموعه ی دولتی مبادرت به همکاری و فعالیت می نمایند. برخی از این تشکیلات عبارتند از: سازمان های بین المللی مذهبی مانند: سازمان های کلیسای کاتولیک و واتیکان، تشکل های اسلامی، مذاهب دیگر در چارچوب فدراسیون های دینی، انجمن بین المللی وکلای دادگستری، فدراسیون جهانی انجمن های طرفدار ملل متحد، اتحادیه بین المجالس، و سازمان بین المللی اتحادیه های کارگری. اما از میان آنها گروه هایی نظیر آکسفام، در زمینه نجات کودکان و جامعه تاکنون در کشورهای اوگاندا، کامبوج، سودان کمک های انسانی مهمی را ارائه کرده اند. از زمان تاسیس سازمان های بین المللی تاکنون با هر نوع مشکلی که امنیت جهانی را نقض کرده است برخورد کرده اند و در این زمینه راهکارهای مختلفی ارائه کرده اند، یکی از موارد تهدیدآمیز صلح به خصوص در عصر کنونی جامعه ی جهانی، بحث تروریسم است که در این زمینه بیشتر سازمان های بین المللی، به خصوص سازمان ملل قطع نامه های بسیاری در این زمینه صادر کرده اند. در واقع موضوع تروریسم یک تهدید جهانی است. اعمال تروریستی نظیر قتل، گروگانگیری، هواپیماربایی و تخریب اموال و اماکن، حقوق بشر و آزادی های اساسی را نقض کرده و روابط بین الملل را تحت تأثیر قرار داده است. ماهیت جهانی این مسأله، جامعه بین المللی را وادار به انجام اقداماتی برای مقابله با تروریسم کرده است. گرچه اقدامات مختلفی اعم از یکجانبه، دوجانبه و یا منطقه ای برای کنترل تروریسم صورت گرفته، اما در نگاه رویکرد نهادگرایی نولیبرال، اقدامات همه جانبه و مشارکت تمامی دولت ها در مبارزه با تروریسم امری اجتناب ناپذیر است و مناسب ترین مکان برای حل این مشکل جهانی، سازمان ملل متحد است. با افزایش اعمال تروریستی، دولت ها به اهمیت سازمان های جهانی در مقابله با تروریسم پی برده اند. عمده ترین نتیجه پاسخ حقوقی جامعه بین المللی، انعقاد کنوانسیون هایی است که در صدد تنظیم یا توسعه صلاحیت کیفری دولت های عضو نسبت به اعمال مختلف تروریستی و در نهایت مجازات متهمین به ارتکاب چنین به عنوان مهم ترین دلیل تهدید امنیت و صلح جهانی مطرح شد، و جامعه ی جهانی تنها از طریق فعالیت های جمعی سازمان ها توانست از میزان این تهدیدات بکاهد و به منظور جلوگیری از وقوع حوادث دیگر شبیه به این موضوع، اقداماتی را انجام دهد. در واقع فعالیت های سازمان ملل و سایر سازمان های غیر رسمی مدافع صلح، در آماده کردن افکار جامعه جهانی به منظور مبارزه با تروریسم بسیار تاثیرگذار بوده است (همان منبع).

۳- صلح جهانی

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می گذارد که هنوز با چالشهای جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبه روست. صلح در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیت های انسان می باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جز ارزشمندترین و اصولی ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد. (جمالی، ۱۳۸۵).

صلح در نظام حقوق بین الملل اساساً صلح بین المللی است که به دلیل انعطاف در مفاهیم و اجزای صلح و ارتباط متقابل جوامع ملی با منافع جامعه بین المللی، ممکن است صلح محلی و ملی را نیز در برگیرد. عملکرد و تجربه کاری سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم به خوبی نشان داده که با محدود شدن تدریجی صلاحیت های صرفاً ملی به نفع صلاحیت های بین المللی، برخی موارد خشونت در درون اجتماعات ملی و حتی علیه پاره ای از اقشار جمعیت یک کشور ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی شمرده شوند. در اینجا مطرح می شود که صلح بین المللی نه صرفاً ناظر بر صلح در روابط بین دولت ها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولت ها و ملت ها و همچنین در روابط بین انسان ها نیز هست. امروزه اولویت جامعه بین المللی و حقوق حاکم بر آن، صلح فراگیر بین المللی و نه تنها منطقه ای بلکه جهانی است، صلحی که همه بازیگران بین

المللی و ملت‌ها و تمدن‌های جامعه بشری را تحت پوشش قرار دهد. باید بشریت و جامعه بشری را شاخص تعیین‌کننده دامنه‌ی صلح دانست (ساعد، ۱۳۸۹).

۴- سازمان‌های بین‌المللی تجاری و صلح

یکی از عوامل مهم ناکامی بشر در دستیابی به صلح، توزیع نابرابر منابع اقتصادی و دسترسی به امکانات بقاست. در حالی که توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به گونه‌ای این ناعادالتی را به عنوان اصل مهم صلح جهانی ترمیم می‌کند و شکاف اجتماعی و فرهنگی را تقلیل می‌دهد و به همین میزان نیز احتمال تنش و خشونت را خواه در روابط انسانی، بین‌ملت‌ها و تمدن‌ها و نهایتاً بین دولت‌ها کاهش خواهد داد و در نهایت جنگ و درگیری نیز به حداقل خواهد رسید. از نظر رویکرد نهادگرایی نولیبرال در جامعه بین‌المللی پیدایش سازمان‌های بین‌المللی تجاری و اقتصادی نه تنها به صلح کمک می‌کند بلکه با وجود مذاکرات کشورها و تعاملات اقتصادی بین آنها و نیاز روزافزون هر کشور در زمینه‌های مختلف به کشور دیگر بحث وابستگی متقابل را به وجود می‌آید که روند توسعه را نیز فزونی می‌بخشد (همان منبع). در این چارچوب آن چه که مهم است و اهمیت دارد بحث عدالت و رعایت کردن آن از جانب سازمان‌های بین‌المللی است، از این نظر گفته می‌شود که تحقق عدالت از دغدغه‌های اصلی سیاستمداران و دست‌اندرکاران نظام‌های اقتصادی و اجتماعی است اما نکته اینجاست که هر گروهی و مکتبی راه رسیدن به عدالت اقتصادی و تحقق آن را به شکل خاصی عملی می‌داند. پس از نظر و جنبه‌ی اقتصادی همکاری نهادینه‌ی دولت‌ها در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی تجاری می‌تواند به پیشبرد صلح جهانی کمک کند (مشیرزاده، ۱۳۸۸).

۵- ارتباط بین صلح جهانی و سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای و جهانی از جمله بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شوند. گروهی از سازمان‌های بین‌المللی که در حوزه‌های مانند حقوق بشر، جنگ و صلح و ... فعالیت دارند تأثیر بیشتر و عمیق‌تری در تحول مفهوم صلح بر جای می‌گذارند. بازیگران فراملی اعم از دولتی یا غیردولتی تأثیرات زیادی بر صلح و دگرگونی نحوه تأمین آن دارند که از فعالیت آنها در برقراری صلح و امنیت در جهان صورت می‌گیرد (سرمست، ۱۳۸۸).

سازمان ملل متحد که پس از جنگ جهانی دوم جایگزین جامعه ملل شد، بزرگترین سازمان بین‌المللی است که نقش اصلی را در حفظ صلح و تأمین امنیت در جهان به عهده دارد. این سازمان که تبلوری از امنیت دسته‌جمعی است، سازمان بین‌دولتی محسوب می‌شود. این سازمان نقش موثری در برقراری امنیت و تأمین صلح در جهان ایفا کرده است. برخی از این اقدامات مستقیم مثل تشکیل گروه‌های صلح‌بانی در مناطق بحران زده و برخی از آنها غیر مستقیم بوده است. مانند تشکیل سازمان‌های حقوقی و داوری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ایجاد ساختارها، رژیم‌ها، قواعد و هنجارهای بین‌المللی مناسب برای تبادل اطلاعات، شفاف‌سازی امور و کاهش ابهام، مقابله با رفتارهای ناهنجار بازیگران در عرصه بین‌المللی و بلاخره فراهم آوردن بستری مناسب برای مدیریت جمعی منازعات به حفظ صلح و برقراری امنیت در جهان کمک می‌کند (همان منبع).

در مورد سازمان‌های نظامی بین‌المللی مثل سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌توان گفت در حفظ صلح میان اعضای خود موفق بوده‌اند و احتمال می‌رود با گسترش حوزه فعالیت آنها به سایر نقاط نقش فعال‌تری در تأمین صلح و امنیت جهانی در سایر مناطق جهان ایفا کند. برای نمونه: رهبران کشورهای عضو ناتو در نوامبر ۱۹۹۱ «بیانه صلح و همکاری رم» را صادر کردند. در این بیانیه که به دنبال بیانیه لندن در ۱۹۹۰ صادر شد، بر این امر تأکید شده بود که در این زمان، تشکیل اجتماعی متشکل از ارزش‌های مشترک آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در میان مردم آمریکای شمالی و مردمان تمامی کشورهای اروپایی میسر است. نهادهایی که در آن زمان، مسئولیت تشکیل چنین اجتماعی را بر عهده داشتند، اتحادیه‌ی اروپای غربی، شورای اروپا، جامعه اروپایی، سازمان امنیت و همکاری اروپا و ناتو بودند که می‌بایست در برابر بی‌ثباتی‌های ناشی از اختلافات اقتصادی و منازعات ملی‌گرایانه، راهکارهایی را ارائه می‌دادند. رهبران کشورهای ناتو، راه حل برون‌رفت از بحران‌های جدید را

در به کارگیری همزمان سه رهیافت «گفتگو»، «همکاری» و «حفظ توان دفاع جمعی» می دانستند (کولایی و تیشه یار، ۱۳۸۶).

سازمان کنفرانس اسلامی یکی از سازمان های بین دولتی مهم به خصوص در بین کشورهای اسلامی می باشد این سازمان به خصوص در نقش آفرینی ایران به عنوان ریاست پیشینی سازمان در حل بحران های منطقه ای، بحران سوریه و ترکیه، کوزوو و حل مسایل و مشکلات فلسطینیان، لیبی، افغانستان و عراق و کسب موفقیت های افتخار آفرین در این عرصه ها، پتانسیل بالقوه ونهفته ی این سازمان را فراروی صاحب نظران و نظریه پردازان سیاسی قرار داده است که می تواند با بهره مندی بهینه از آن، بیش از آنچه است، در عرصه بین المللی به ایفای نقش بپردازد. یکی از اولویت های مهم سازمان کنفرانس اسلامی، تلاش برای رفع تنشج و اختلاف میان کشورهای عضو سازمان بوده است. همچنین همایش ژنو اولین تجربه ی موفق سازمان کنفرانس اسلامی در انجام اقدامی جمعی و محتوایی در زمینه ی حقوق بشر در تعاطی با سازمان ملل متحد محسوب می شود (رحمانی، ۱۳۹۰).

باید یادآور شویم مطالعه و بررسی نظام های منطقه ای از آن جهت دارای اهمیت می باشد که شناخت مسائل منطقه ای ؛ تعاملات ؛ جهت گیری و همکاری های منطقه ای به تصمیم سازان و تصمیم گیران در تدوین استراتژی های کشورها و همکاری های منطقه ای کمک همه جانبه ای می نماید. ارزیابی و مرور یک سازمان بین المللی و نهاد همگرا به نام اتحادیه آفریقا (African union) که بیش از چهار دهه از تاسیس ابتدایی آن با عنوان سازمان وحدت آفریقا می گذرد و به نوعی نخستین تجربه همگرایی در قاره آفریقا با استفاده از مدل منطقه گرایی منطقه ای و بهره گیری از الگوی نو کارکردگرایی می باشد ما را در شناخت تاثیر نهادهای همگرا در قرن حاضر یاری می نماید. سازمان وحدت آفریقا در ابتدای کار فعالیت های خود را بر اهداف سیاسی که در ماده دوم اساسنامه آن ترسیم شده بود، متمرکز کرد. در این چارچوب این سازمان نقش عمده ای در استعمارزدایی از قاره آفریقا، حل و فصل مسالمت آمیز منازعات مرزی کشورهای این قاره، دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اعضا و مبارزه با آپارتاید ایفا کرد. امروزه دیگر داده های سیاسی به تنهایی نمی توانند ساختارهای نوینی در نظام بین المللی ایجاد نمایند و این بازیگران همگرا هستند که با بهره گیری از حاصل جمع قدرت واحدهای سیاسی می توانند در ماهیت نظام بین الملل نقش ایفا نمایند و این اتحادیه آفریقا بوده است که با فرایندی طولانی و پرهیز از خلق ناگهانی درصد نهادینه ساختن همگرایی نوین در آفریقا بوده است و تا کنون توانسته با نگاهی عملیاتی گامهای موثری را در جهت اهداف والای خود که توسعه پایدار و تامین صلح و امنیت آفریقا می باشد گام بردارد. بر این اساس می توان گفت تلاش های بسیار زیادی از جانب سازمان های بین المللی برای برقراری صلح در جهان انجام گرفته در بالا به ذکر تعدادی از آنها پرداخته شد.

۶- نتیجه گیری

هدف اصلی در این پژوهش، بررسی نقش سازمانها و ارگانهای بین الملل در بوجود آوردن صلح بین کشورهای جهان می باشد این پژوهش سعی دارد به این موضوع بپردازد، که چگونه سازمان های بین المللی پس از پایان جنگ سرد، در تامین صلح جهانی، می توانند تاثیر گزار باشند. فرضیه مطرح شده در این مقاله این است که باوجود حقوق و وظایفی که سازمان های بین المللی در چهارچوب قوانین خود، برای دولت ها وضع کرده اند، نقش تعیین کننده ای در تامین صلح جهانی دارا می باشند. امروزه زندگی بین المللی بدون سازمان های بین المللی اصلا قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت ها را نشان می دهد. پس از جنگ سرد، شکل و ماهیت روابط بین الملل دستخوش تحولات متعددی گردید. مهم ترین رویدادهایی که به پیچیدگی روابط عصر حاضر انجامیده است پراکندگی مراکز قدرت در جهان، ظهور علم و تکنولوژی، ایجاد و تقویت نقش سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی و موارد دیگر را شامل می شوند. سازمان های بین المللی به دو دسته ی سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می شوند، هر کدام از این سازمان ها در

زمینه‌ی صلح فعالیت‌های زیادی داشته‌اند اما امروزه به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان‌های غیردولتی در تامین صلح جهانی می‌باشیم.

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می‌گذارد که هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبه‌روست. صلح د رمعنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیت‌های انسان می‌باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جز ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد. سازمان‌های زیادی در راستای حفظ و بسط صلح در جهان به وجود آمده‌اند که اقدامات با ارزش و موثری را در این راستا انجام داده‌اند، با توجه به مدارک و شواهد تاریخی در این پژوهش سعی شد تا به این موضوع پرداخته شود و به عملکردهای بعضی از مهم‌ترین سازمانها مانند سازمان ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه آفریقا که در زمینه حفظ و ثبات صلح اقداماتی را انجام داده‌اند اشاره شود.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل به جهت اسقرار صلح، نظم و امنیت جهانی به دلیل جنگهای طولانی که موجب تخریب و ویرانی‌هایی در سراسر جهان از جمله کشورهای اروپایی شده بود، دولتهایی که بواسطه این جنگها خسارت دیده بودند بر این آمدند تا با تاسیس سازمان ملل متحد فرایندی را برای بازسازی ویرانه‌ها و جلوگیری از تکرار این وقایع موانعی را برای دولتهایی که جنگ افروز بودند ایجاد نمایند. لذا کمیته‌های بین‌المللی بر اساس استانداردهای جهانی به وجود آمد. در میان ارکان مختلف سازمان ملل متحد، شورای امنیت بیش از هر رکن دیگری درگیر مساله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. هرچند فعالیت دیگر ارکان، مستقیم یا غیرمستقیم، با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ارتباط دارد، طبق ماده ۲۴ منشور به‌طور رسمی و مستقیم مسئولیت اساسی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی برعهده شورای امنیت است و این نهاد موظف است تمام تلاش و توان خود را در جهت رسیدن به این هدف به‌کار گیرد. با توجه به این مسئولیت شورای امنیت و نیز هدف اصلی سازمان ملل، یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، نقش سازمان ملل، نه براساس عملکردش در تمام حوزه‌های فعالیت بلکه براساس عملکرد شورای امنیت در پیش‌گیری از درگیریها، پایان دادن به جنگها و حل و فصل بحرانهایی که تهدیدی برای صلح و امنیت به حساب می‌آیند، ارزیابی می‌شود. اما سازمانهای بین‌المللی دیگری همچون سازمانهای یونسکو، سازمان دیده بان حقوق بشر و حتی سازمان‌های چند ملیتی گام‌های موثری در جهت ایجاد صلح و امنیت در راستای برنامه‌های سازمان ملل متحد برداشته‌اند. سازمان یونسکو در سال ۲۰۰۴ با امضای موافقت‌نامه‌ای براساس همکاری نامحدودی با شرکت مایکروسافت (بیل گیتس) با هدف استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به عنوان بخشی از سیاستهای سازمان ملل به منظور ترویج فرهنگ صلح از طریق اپلیکیشن‌های ساخت مایکروسافت دنبال نموده است. لذا مقرر شد شرکت گیتس و یونسکو با طرح پروژه‌های مختلف و تجربیات در حوزه‌هایی نظیر آموزش و یادگیری، توسعه تنوع شناختی و تبادل اطلاعات بر اساس برنامه‌های سازمان ملل اقداماتی را انجام و در دسترسی عموم قرار گیرد.

سازمان ملل متحد، وظایفی مهم به عهده دارد که باید انجام دهد تا بتواند نقش خود را در صلح جهانی اعمال نماید:

اولاً: سازمان ملل متحد باید دولتها را در اجرای موثر اسناد حقوقی موجود یاری رساند

ثانیاً: سازمان همچنان به عنوان مرجعی برای پایه ریزی و ایجاد رویکرد سیاسی مشترک جهت جلوگیری، نظارت و مبارزه با تروریسم بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

ثالثاً: مجموعه کنوانسیون‌های بین‌المللی باید برای پرداختن به مسائل کلیدی مبارزه با تروریسم که هنوز تحت پوشش آن اسناد قرار نگرفته است گسترش یابد.

رابعاً: سازمان ملل متحد باید دولتها را تشویق کند که چارچوب حقوقی جامعی برای اقدام علیه تروریسم بین‌المللی؛ از جمله، تهیه و تدوین یک کنوانسیون عام راجع به مقابله با تروریسم بین‌المللی فراهم آورد.

اصل هدف سازمان ملل به روشنی در پاراگراف ۳ از ماده یکم منشور ملل به این صورت بیان شده است:.

دستیابی به همکاری بین المللی در حل مسائل بین المللی مانند، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا بشر دوستانه، و ارتقا و تشویق احترام به حقوق انسانی و آزادی های بنیادی برای همه بدون تبعیض در نژاد، جنس، زبان و یا مذهب، و در معنای واقعی ایجاد صلح جهانی و در این راستا سازمان ملل دستاوردهای بسیاری داشته است. سازمان ملل عناصر همکاری بین المللی را حمایت می کند. مانند سازمان بهداشت جهانی، سازمان کار بین المللی و دادگاه عدالت بین المللی که از قبل وجود داشتند و تعداد دیگری به آنها اضافه شده است. سازمان ملل موجب تغییر سیستم جهانی از شکل تمرکز اروپایی آن به سمت سیستم جهانی شده است.

منابع

۱. بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۹۰). سازمان های بین المللی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. جمالی، حسین. (۱۳۸۵). سازمان های بین المللی و منطقه ای. قم: نشر زمزم هدایت قم.
۳. رحمانی، مسعود. (۱۳۹۰). نقش ایران در ارتقای موقعیت جهانی کنفرانس اسلامی. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. ساعد، نادر. (۱۳۸۹). حق بر صلح عادلانه، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی قم: نشر پگاه
۵. سرمست، بهرام. (۱۳۸۸). بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. تهران: شماره هشتم
۶. غفوری، محمد. (۱۳۸۳). عملکرد سازمان های بین المللی در عرصه ی روابط بین الملل نوین، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی
۷. کولایی، الهه. تیشه یار، ماندانا. (۱۳۸۶). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دگرگونی در ماموریت ها و کارکرد ها، تهران: نشر دانشگاه تهران
۸. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۸). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: نشر سمت